



اثبات جهان پس از مرگ توسط دانشمندان اعصاب و روان

حیات بعد از مرگ موضوعی است که در مذاهب مختلف به روش های مختلف توضیح داده شده است. در قرآن و سایر کتاب های دینی سعی شده است ...

حیات بعد از مرگ موضوعی است که در مذاهب مختلف به روش های مختلف توضیح داده شده است. در قرآن و سایر کتاب های دینی سعی شده است تا به افراد در خصوص حیات بعد از مرگ آگاهی هایی داده شود. اما از نظر علمی که ماهیتاً مادی گرا است، شاید اثبات وجود حیات بعد از مرگ امری غیر ممکن به نظر برسد. دانشمندان زیادی در این حوزه فعالیت کرده و تحقیقات گسترده ای انجام داده اند. یکی از این تحقیقات که به نحوی می تواند اثبات حیات بعد از مرگ باشد، تحقیقی است که بر روی جدا بودن ماهیت آگاهی از مغز انجام شده است.

به گزارش کلیک، نرخ رشد دانش علمی در دنیا روز به روز افزایش می باید. از این رو کاربرد دانش و علوم گسترش یافته به خصوص آن دسته از دانشی که باعث بروز چالش هایی بر اساس واقعیت و آن چه در طبیعت وجود دارد، بسیار حائز اهمیت است. اما ارتباط ذهن، مغز و درک یکی از حوزه هایی است که همواره مورد توجه محققان عصب شناس و فیزیکیان بوده است. سؤالی که همیشه در خصوص این رابطه وجود دارد این است که آیا مغز آگاهی را دریافت می کند و یا آگاهی محصولی از مغز است؟ هر چند تا کنون در خصوص جدا بودن آگاهی از اندام های فیزیکی اطمینان صد در صد وجود ندارد، اما بر اساس داستان ها و دلایل علمی که بر جدا بودن آگاهی از سایر اعضای فیزیکی بدن تاکید می کنند، می توان گفت آگاهی چیزی جدا از مغز است. البته مطالعاتی که تا کنون در این زمینه صورت گرفته است نیز از این باور پشتیبانی می کنند.

اما نتایج مطالعات انجام شده در حوزه ارتباط مغز و آگاهی ر.ز به روز نتایج جدیدی را در اختیار ما قرار می دهد و دید بهتری نسبت به چگونگی درک و آگاهی آنان از وقایع و ارتباط آن با دنیای فیزیکی در اختیار دانشمندان و مردم قرار داده است.

چندی پیش دکتر بروس گریسون پدر تحقیقات در حوزه مرگ و حیات پس از آن، در کنفرانسی که در ایالات متحده برگزار شده است در خصوص نتایج مطالعات صورت گرفته بر روی افرادی که مغز آن ها هیچ فعالیتی نداشته است صحبت کرده است. اما این افراد می توانسته اند تمام اتفاقات را در زمانی که مغز آن ها هیچ فعالیتی نداشته است مشاهده نمایند. دکتر گریسون در خصوص توانایی این افراد بعد از دوره مطالعه در توصیف آنچه در زمان غیر فعال بودن مغز مشاهده کرده اند در این کنفرانس صحبت کرده است. به عقیده دکتر گریسون چون علم و دانش بشری بیشتر مادی گرا است بنابراین مطالعات در زمینه زمان قبل و پس از مرگ مهجور مانده است. برای مثال او عقیده دارد که چون آگاهی چیزی فراتر از مادیات است بنابراین تعریف و بررسی آن با علمی که بیشتر جنبه مادی دارد کمی سخت و دشوار است و بسیاری از دانشمندان عقیده دارند که نمی توان در خصوص آن تحقیقات زیادی انجام داد.

به عقیده دکتر گری شوارتز بسیاری از دانشمندان طرفدار فلسفه مادی گرایی به دلیل وجود برخی از تناقضات با دانش و تعریف آن ها از دنیا و این پدیده یعنی آگاهی به عنوان مفهومی جدار از مغز نمی توانند این موضوع را بپذیرند. او همچنین عقیده دارد چون واقعیت های مربوط به بعد فرا مادی طبیعت با روح مادی علم در تناقض است بنابراین همواره برای اثبات ایده هایی مثل جدا بودن آگاهی از مغز داده های تجربی زیادی در دسترس باشد تا بتوان این موضوع را اثبات نمود.

به نظر می رسد با استفاده از فاکتورهای پزشکی جدا بودن آگاهی از مغز را اثبات نمود زیرا در این مطالعه مغز تمام بیماران بدون هر گونه فعالیتی بوده است و در واقع می توان گفت این افراد به نحوی افراد مرده محسوب می شده اند. این افراد دارای EEG کاملاً صاف بوده است. از طرفی وقتی CPR بیمار در طول ۵ تا ۱۰ دقیقه فعالیت خود را آغاز نکند در این صورت مغز بیمار کاملاً از فعالیت ایستاده و بیمار به عنوان فردی مرده محسوب می شود.

تمام ۳۴۴ بیمار تحت مطالعه تحت نظر گروهی از محققان قرار گرفته اند. در بررسی های صورت گرفته توسط این تیم تحقیقاتی مشاهده شده است که حدود ۱۸ درصد این افراد به نحوی در مورد زمانی که مرگ را تجربه کرده بودند و یا به نوعی هوشیار نبوده اند چیزهایی را به خاطر داشته اند. از طرفی ۲۱ درصد از این بیماران یعنی از هر ۸ نفر یک نفر چیزهای زیادی را از آن زمان به خاطر می آورند. توجه به این نکته که تمام آنچه آن ها به خاطر داشته اند مربوط به زمانی است که مغز آن ها به هیچ وجه فعالیتی نداشته است.

اما مطالعه دیگری نیز در خصوص حیات پس از مرگ و جدا بودن آگاهی از مغز در دانشگاه سواتامپتون انجام شده است. نتایج

این مطالعه نشان داده است که افراد تا مدت زیادی بعد از اینکه مغزشان فعالیت خود را از دست می دهد و به اصطلاح می میرند، آگاهی شان همچنان حفظ می شود. شاید این نتایج در دنیای علم با ماهیت مادی گرا، غیر ممکن به نظر برسد.

باید توجه داشت که مطالعات صورت گرفته در این زمینه تنها مربوط به دقایق قبل و بعد از مرگ نیست و مطالعات در این زمینه تنها مربوط به چند سال اخیر نیست. در واقع حدود دو دهه پیش نیز تحقیقاتی در خصوص حیات پس از مرگ و جدا بودن آگاهانه از مغز صورت گرفته است که نتایج آن همچنان نشان دهنده جدا بودن این دو مفهوم یعنی مغز و آگاهی از یکدیگر است.